

میراث شهاب

سال بیست و سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶
شماره پیاپی ۸۸، صفحات ۷-۴۴

قُلَّةُ مَعْرِفَتٍ وَ فَضِيلَتٍ

فرازهایی از حیات علمی و معنوی علامه سید شمس الدین محمود مرعشی نجفی
به مناسبت یکصدمین سالگرد رحلت او (۱۲۷۹ - ۱۳۳۸ هـ)

غلامرضا گلی زواره*



از سمت راست: تصویر آیت الله سید شمس الدین محمود مرعشی نجفی
و پدرش آیت الله سیدعلی (سیدالحکماء) مرعشی نجفی و یکی از برادرانش.

*. پژوهشگر تاریخ و تراجم.

چکیده

این گفتار به شرح حال آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود مرعشی (۱۲۷۹ - ۱۳۳۸هـ) دانشور نجفی می‌پردازد. در ضمن آن به اساتید و هم‌مباحثه‌های او از جمله پدرش سیدعلی سیدالحکماء (۱۲۰۲ - ۱۳۱۶هـ)، سیدابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵هـ)، سیدحسن مدرّس (۱۲۸۷ - ۱۳۵۶هـ) اشاره می‌شود. تألیفات او در زمینه‌های انساب، تراجم، زیارت، هیئت، فقه و اصول و نیز دیدگاه‌های بزرگان درباره او مطرح شده است. پنج تن از شخصیت‌های مشابه و هم‌نام او که از قرن دهم تاکنون شناسایی شده‌اند، نیز یاد می‌شوند.

کلید واژه‌ها: مرعشی، سیدشمس‌الدین محمود؛ سیدالحکماء، سیدعلی؛ عالمان شیعه - قرن ۱۳ و ۱۴؛ حوزه‌های علمی شیعه - نجف.

نسب شریف

سید شمس‌الدین در زمره سادات مرعشی می‌باشد که نسب او بدین گونه است: سید محمود، فرزند سیدالحکماء، فرزند علامه نسّابه و فقیه محدّث حاج سید محمد ابراهیم حائری، فرزند فقیه وارسته و نقیب جلیل‌القدر سید شمس‌الدین محمد، فرزند عارف متشرّع و صاحب کرامات و مقامات معنوی مجدالمعالی ملقب به قوام‌الدین و متخلص به شیوا، فرزند نسب شناس نامی و فقیه فرزانه نصیرالدین محمد، فرزند ادیب محدّث سید جمال‌الدین، فرزند فقیه اصولی و متکلم متبحر حکیم سید علاء‌الدین نقیب‌الاشراف مرعشی، فرزند علامه وزیر و نقیب فخرالدین سید محمد ثانی مرعشی، فرزند ادیب فاضل دانشور و شهید والامقام سید ابوالمجد محمد النقی، فرزند نقیب دانشمند و کارگزار زاهد سید محمد اول مرعشی، فرزند میر سید عبدالکریم دوم (فرمانروای طبرستان و توابع)، فرزند سیدعبدالله مرعشی، فرزند سید عبدالکریم اول مرعشی، فرزند میر سید مرتضی مرعشی، فرزند سید علی مرعشی، فرزند سید کمال‌الدین صادق مرعشی (معاصر امیر تیمورگورکانی)، فرزند علامه فقیه و متکلم زاهد و متبحر در علوم معقول و منقول سید قوام‌الدین مشهور به میر بزرگ مرعشی سرسلسله خاندان مرعشی مازندران و حاکم طبرستان که مزارش در سبزه میدان آمل مورد توجه و زیارتگاه اهالی است، فرزند سید کمال‌الدین صادق نقیب‌الاشراف ری و فقیه محدّث، فرزند علامه ابومحمد عبدالله محدث و نقیب، فرزند فقیه ادیب ابوهاشم

نسابه، فرزند ابوالحسن علی نقیب‌الاشراف طبرستان و ری، فرزند محدث زاهد ابومحمد حسن نسابه معروف به مدنی رومی، فرزند عابد زاهد و صاحب کرامات ابوالحسن علی ملقب به مرعش (سرسلسله سادات مرعشیه جهان اسلام)، فرزند امیر عارفان و کارگزار عراق عرب سید عبدالله ابومحمد (عالم نسابه و محدث عالیقدر)، فرزند عالم سخنور و نسب شناس محدث ابوالحسن محمداکبر موصوف به ابوالکرم، فرزند فقیه زاهد و نسابه ابومحمد حسن ملقب به دگه (دکه نام دو موضع است یکی در عراق و دیگری در سوریه کنونی)، فرزند ابوعبدالله حسین اصغر (متوفی ۱۵۷هـ) مدفون در بقیع غرقه، فرزند امام همام مولانا ابوالحسن علی زین‌العابدین علیه السلام، فرزند سید شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام، فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام!

نیاکان نامدار

نیای نامور سید شمس‌الدین، سید ابوالحسن علی مرعشی نام دارد که با چهار واسطه به امام چهارم علیه السلام نسب می‌برد.^۲ «مرعش» لقب علی فرزند عبدالله است.^۳

۱. سید علی مذکور به دلیل اختلال در دستگاه اعصاب مرکزی دارای ارتعاش و رعشه‌ای در بدن بود.

۲. از منزلت والا و مقام بالایی برخوردار بود؛ و از این جهت او را به کبوتر دور پرواز تشبیه کرده‌اند و به مرعشی ملقب ساخته‌اند.^۴

۳. نیای بزرگ سید محمود مرعشی منسوب به شهری است به نام مرعش در سرحدات شام و روم و در حدود خاک ترکیه و سوریه فعلی که جغرافی دانان مسلمان به تفصیل از آن سخن گفته‌اند.^۵

این دیار به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی آن، وقتی توسط سپاهیان اسلام فتح گردید، به عنوان اردوگاه و محل توقّف مرزداران مسلمان تعیین شد و به دلیل همین اهمیت استراتژیکی گاه تحت تصرف رزمندگان مسلمان و زمانی تحت اشغال رومیان بوده

۱. موسوعة العلامة المرعشی (التراجم و السیر)، ج ۱، ص ۷۷۷؛ مرزبان فرهنگ، ج ۱، ص ۱۰۸؛ ریحانة

الادب، ج ۵، ص ۲۹۰ - ۲۹۱؛ شهاب شریعت، ص ۶۳ - ۶۴؛ برستغ نور، ص ۱۳ - ۱۵.

۲. تنقیح المقال علامه مامقانی، ج ۱، ص ۲۷۴ - ۲۷۵.

۳. همان.

۴. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۱۴۸؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱۵، ص ۲۵۲.

۵. معجم البلدان یاقوت حموی، ج ۴، ص ۴۹۸؛ احسن التقاسیم، ص ۱۳۱.

است، تا این که در ۹۲۱ هـ امپراتوری عثمانی در زمان سلطان سلیم، این دیار و توابع آن را به مرکز حکومت خود (ترکیه کنونی) ملحق ساخت.^۱

از میان فرزندان سید علی، سید قوام‌الدین (میر بزرگ) شهرت افزون‌تری دارد که جدّ مرعشیان دماوند، مازندران، تهران، قم، اصفهان و خوزستان می‌باشد و موفق گردید حکومتی شیعی در طبرستان برپا کند. او در روستای دابوی آمل نشو و نما یافت و بعد از تحصیل علوم دینی در زادگاهش به خراسان رفت و در مشهد اقامت گزید. ایام سکونت وی در مشهد رضوی مقارن با قیام سربداران در خراسان بوده است. بعد از رحلت میرقوام‌الدین در ۷۸۱ هـ چهارده نفر از اولاد و احفادش علی‌التعاقب فرمانروای نواحی شمالی ایران به مرکزیت مازندران بوده‌اند.^۲

سید کمال‌الدین جدّ هفدهم سید شمس‌الدین محمود، دومین شخص است که در طبرستان زمام امور را به دست گرفت. او علاوه بر کفایت در فرمانروایی و لیاقت سیاسی، در حدیث، فقه، اصول، عرفان، معقول، تجوید و ریاضی تبخّر داشت و سخنور قابل‌ی بود و در اشعار «محزون» تخلص می‌کرد. آثاری هم در معقول و منقول و ادبیات دارد. فرزندش سید نصیرالدین و نواده‌اش سید ظهیرالدین از مورّخان و نسب شناس‌های عصر خود به شمار می‌آمده‌اند.^۳

آل مرعشی که سید شمس‌الدین محمود بدانها منسوب است از کهن‌ترین خاندان‌های علمی، زعامت شیعه و کارگزار حکومتی با کفایت می‌باشند که بازماندگان این خاندان امروز در ایران، عراق، امارات خلیج فارس، هندوستان و سوریه سکونت دارند.^۴

این سلسله که از خانواده‌های اصیل علوی هستند ضمن تربیت دانشمندانی برجسته در معارف معقول و منقول، رجال بزرگی در سیاست و حکومت پرورش داده‌اند که سال‌ها مشغول زمامداری در نیمه شمالی ایران بوده‌اند و با نفوذ در سایر دولت‌ها خصوصاً در دو حکومت صفویه و قاجاریه با تصدّی مناصب مهمّ سیاسی، اداری و

۱. قاموس الامکنه و البقاع، علی بهجت، ص ۱۸۳؛ الکامل فی التاریخ، عز‌الدین ابن اثیر، ج ۸، ص ۴۸۰.

۲. ریحانة الادب، ج ۵، ص ۴۹۳؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱۵، ص ۲۵۲ - ۱۲۳.

۳. ریحانة الادب، ج ۵، ص ۲۹۱.

۴. دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۱۹.

تصدی تشکیلات نقابت سادات، منشأ خدماتی ارزنده برای جامعه اسلامی و شیعیان گردیده‌اند.^۱

مرعشیان حدود یک قرن و نیم با تیموریان و بیش از یک قرن با صفویان معاصر بوده‌اند. حاکمان صفوی از آغاز می‌کوشیدند با این خاندان موصلت نمایند تا به اعتبار خود افزوده و از پشتیبانی آنان برخوردار گردند و نهایت احترام را در حق ایشان مراعات می‌کردند.^۲

از تلاش‌های مهم طایفه مزبور گسترش تشیع در برخی از نقاط ایران می‌باشد. هم‌چنین آنان در غنای معارف و علوم شیعیان نقش ارزنده‌ای را ایفا نمودند؟^۳ دانش انساب موروثی این خاندان بوده و بدین لحاظ همواره ایشان مرجع خاص و عام در این طریق بوده‌اند، بسیاری از عالمان و بزرگان سلسله سادات مرعشی خود نسابه و در این فن صاحب نظر و استاد بوده‌اند.^۴

مدرّس تبریزی می‌نویسد:

سادات آل مرعشی که از معروف‌ترین خانواده‌های جلیله و اصیله بوده و به نام مرعشیه اصفهان، شوشتر، قزوین و مازندران به چهار شعبه منشعب بوده و اعیان، وزراء، علما، حکما، ادبا و طبقات دیگر از میان ایشان برخاسته‌اند.^۵

پدر دانشور، مبتکر و حکیم

سید الحکماء، سید علی مُلقّب به شرف‌الدین فرزند حاج سید محمد منجم معروف به سیدالاطباء، از بزرگان علمای شیعه در قرن سیزدهم هجری به شمار می‌رود. این فقیه محدث و حکیم طبیب، ریاضی دان، مورّخ و نسابه که در علوم و فنون گوناگون نشانه‌ای از خلاقیت، فراست، اختراع و ابتکار بود در شهر کربلای معلی به سال ۱۲۰۲ هـ دیده به جهان گشود. بعد از گذرانیدن دوران کودکی و نوجوانی، در حوزه نجف‌اشرف تحصیلات مقدماتی و سطوح را به پایان برد و سپس در فقه و اصول نزد استادان مبرز

۱. مرزبان حماسه‌ها، ص ۳۲.

۲. گنجینه شهاب، ج ۲، ص ۹۷ - ۹۸.

۳. جامع فضل و فضیلت، ص ۱۷.

۴. شهاب شریعت، ص ۶۵.

۵. ریحانة الادب، ج ۵، ص ۲۸۷.

و مراجع عالی قدر چون شیخ محمدحسین بن عبدالرحیم اصفهانی، معروف به صاحب فصول (متوفی ۱۲۶۱هـ)، شیخ محمدحسن اصفهانی مشهور به صاحب جوهر (متوفی ۱۲۶۶هـ)، شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱هـ)، سید ابراهیم موسوی قزوینی معروف به صاحب ضوابط (متوفی ۱۲۶۴هـ)، آقا میرزا فتاح فرزند حاج میرزا یوسف طباطبایی، حاج ملا علی خلیلی تهرانی و دیگر مدرّسان این حوزه، شاگردی کرد و به درجه اجتهاد نائل آمد و موفق به کسب اجازات اجتهاد و روایت از این بزرگان علم و تقوا گردید.^۱

وی وقتی قلّه اجتهاد را فتح کرد، به ایران سفری نمود و در تبریز سکونت گزید، اما در این دیار با عده‌ای از تنگ‌نظران تنگ‌مایه و مقدّس‌مآب مواجه گردید که با غیظ و حرکات رشک‌آلود موجبات آزرده‌گی او را فراهم ساختند. کوتاه‌فکرانی جاهل چون باد خزان بر بوستان اندیشه‌اش وزیدند و رقم لجاج بر دفتر احتجاج کشیدند و تازیانه غضب بر گونه ادب نواختند، حرمت مقام و منزلت علمی او را مراعات نکردند، رسم مُروّت فرو نهاده و سلسله خصومت را جناب‌نیدند.^۲

این برخوردهای مذموم و رفتارهای ناپسند، حکیم یاد شده را از اقامت در آن دیار دلسرد و منصرف ساخت و چون اشتیاق وافری به تحصیل طب داشت، مطالعات و بررسی‌هایی را در این زمینه آغاز کرد و از آن پس با جدّیت تمام به مدّت پانزده سال در تبریز و اصفهان به فراگیری دانش پزشکی روی آورد. در اصفهان کتاب‌های قانون، شرح اسباب و شرح نفیسی را نزد میرزا ابراهیم شیرازی آموخت، سپس به آذربایجان آمد مدّتی به درس افلاطون عصر، میرزا حسن شیروانی حاضر گردید و از محضرش استفاده نمود، معقول را خدمت آقا علی حکیم اصفهانی خواند. مدّتی به قصد سیاحت به هندوستان رفت و در آنجا برخی علوم غریبه را از میرزا عبدالحسین طّیاری هندی فراگرفت و از طریق تزکیه و تصفیه درون و ریاضت‌های شرعی به مقاماتی نائل آمد. در مصر نیز برخی علوم ادبی و فنی را نزد استادان وقت آموخت و از میرزا محمدعلی اصفهانی هیئت و ریاضی را فرا گرفت.^۳ مدّتی نیز در سبزووار به حوزه درسی حکیم سبزواری حاضر گردید و الهیات، طبیعیات و دیگر فنون فلسفی را تکمیل نمود و به

۱. شهاب شریعت، ص ۹۳ - ۹۴.

۲. مشعلی منیر در ظلمت کویر، ص ۷.

۳. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۷۶۹ - ۷۷۰.

تبریز مراجعت کرد و با نهایت دل سوزی و شفقت مشغول معالجه و طبابت و مرجع آسایش اهالی گردید.

از آثار اوست: تعیین قبله، حاشیه بر شرح نفیسی در طب، رساله زکام، شرح طب الائمة، قانون العلاج، حاشیه جواهر الکلام و شرح لمعه، حاشیه بر منظومه سبزواری، رساله‌ای در علم رمل، شرح دعای سمات و چند اثر دیگر.^۱

این بزرگوار علاوه بر مراتب علمی در معقول و منقول، دارای قوه اختراع شگفتی بوده است؛ از جمله آن که ساعتی ساخت که تمامی ادوات آن ایرانی بود. او اولین کسی است که در ایران دندان مصنوعی ساخت که نسبت به دندان‌های اروپایی که تا آن زمان وارد ایران نگردیده بود، مزایای فراوانی داشت.^۲

خلق و خوی این دانشمند در منتهای درجه تهذیب نفس بود؛ غالباً صائم بوده و در حق محرومان نیکی می‌نمود و در سخاوت و کرامت اخلاقی امتیازات ویژه‌ای داشت. فروتنی، وارستگی، ادب و وقار، عبادت و انس با قرآن از دیگر خصال اوست. فرزندانش عبارتند از: میرزا جعفر افتخارالعلماء، سید محمد ملقب به معظم السادات ساکن مرند، میرزا اسماعیل شریف‌الاسلام عالم و طبیب مقیم تهران، میرزا ابراهیم کتابفروش، میرزا عبدالستار، میرزا عبدالغفار و سید شمس‌الدین محمود مرعشی. سیدالحکماء بعد از ۱۱۴ سال عمر با برکت در ۱۳۱۶هـ در تبریز رحلت نمود و پیکرش به عتبات عراق انتقال یافت و در وادی السلام نجف اشرف دفن گردید.^۳

مادر، بانویی با کمال و اهل درایت

سید شمس‌الدین محمود از طریق مادر خود به سادات قاضی طباطبایی نسب می‌برد؛ زیرا بانو شمس‌الشرف خانم طباطبایی دختر علامه حاج سید محمد معروف به حاج آقا، مؤلف کتاب مصباح در ادعیه می‌باشد، این بزرگوار با سید محمد قاضی طباطبایی (پدر علامه طباطبایی) عموزاده است. سید محمد (حاج آقا) فرزند آیت‌الله حاج سید عبدالفتاح طباطبایی صاحب کمالات و کرامت‌های معنوی و عرفانی بوده و ایشان هم فرزند آیت‌الله‌العظمی عالم کامل حاج میرزا یوسف طباطبایی (متوفی ۱۲۴۲هـ) است. میرزا یوسف از پرورش‌یافتگان مکتب اصولی و فقهی وحید بهبهانی می‌باشد.

۱. ریحانة الادب، ج ۳، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۲. کیهان فرهنگی، ش ۲۰۴، ۱۳۸۲ش، ص ۷؛ ویژه‌نامه کنگره آیت‌الله مرعشی، ۱۹-۱۲-۱۳۸۹، ص ۲۱.

۳. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۷۷۰؛ شهاب شریعت، ص ۹۸؛ ریحانة الادب، ج ۳، ص ۱۱۷۰.

مرحوم حاج میرزا یوسف یاد شده از مراجع بزرگ تقلید اهالی آذربایجان و قفقاز و صاحب تألیفاتی در علوم و معارف اسلامی می‌باشد. خاندان طباطبایی مذکور به امیر عبدالغفار طباطبایی قاضی زواره‌ای نسب می‌برند و او از احفاد سید کمال‌الدین حسن (مدفون در زواره) و از نوادگان حسن مثنیٰ فرزند امام حسن مجتبیٰ علیه السلام است.^۱ برخی منابع آیت‌الله آقا میرزا یوسف آقا مجتهد تبریزی (۱۲۷۹ - ۱۳۳۷ هـ) را با مرحوم حاج میرزا یوسف آقا قاضی طباطبایی بانی مسجد حاجی میرزا یوسف آقا یا قزالی مسجد، یکی گرفته‌اند.^۲

علامه طباطبایی درباره حاج میرزا یوسف مجتهد می‌نویسد:

از جمله معاریف تبریز و میان علم و عمل جمع کرده و متصدی مرافعات و محاکمات شرعیّه بوده و به دلیل تهجد، پرهیزگاری و مستجاب‌الدعوه بودن، حتی در زمان حیاتش محلّ توجه عموم مردم و مورد نذورات بوده است.^۳

میرزا یوسف در ۱۲۴۲ هـ وفات نمود و پیکرش به نجف اشرف انتقال یافت و در صحن مطهر مولای متقیان دفن گردید و این که نوشته‌اند او در ۱۳۱۰ هـ رحلت نمود و پیکرش در مشهد مقدّس رضوی دفن گشت، اشتباهی آشکار است.^۴ شمس‌الشرف خانم که به این خاندان انتساب دارد، خود مفسّری ادیب بوده و در فضل و معرفت، عبادت و حالات معنوی مدارجی را طی کرده و از بانوان با کمال عصر خویش به شمار می‌رفته است. مرجع تقلید معاصر، مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، قرآن کریم، مقدّمات عربی و کتاب معنی اللیبیب را نزد وی آموخته و این بانو در شکل‌گیری شخصیت ایشان نقش مؤثّری داشته است.^۵ آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی از جدّه خود شمس‌شرف بیگم طباطبایی این گونه یاد می‌کند: بانوی علویه، دانشور، زاهد، عابد، حفید علامه مجاهد حاج میرزا

۱. شهاب شریعت؛ درنگی در یک تبارنامه، میراث شهاب، سال دهم بهار و تابستان ۱۳۸۳، ش ۳۵ - ۳۶، ص ۷۳ - ۷۴؛ جرعه‌های جان‌بخش، ص ۴۸ - ۴۹؛ تاریخ اولاد الاطهار، محمدرضا طباطبایی، ص ۸۸ - ۹۱؛ نسب‌نامه شاخه‌ای از طباطبایی‌های تبریز، سید جمال ترابی طباطبایی، ص ۲۶.
۲. علمای معاصر، ملا علی واعظ خیابانی، ص ۱۹۶ - ۱۹۷.
۳. نسب‌نامه خاندان طباطبایی، علامه طباطبایی، ص ۵۲.
۴. این خطا در کتاب گلشن ابرار آذربایجان، ج ۳، ص ۵۵، پاورقی دیده می‌شود.
۵. شهاب شریعت، کیهان فرهنگی، مهر ۱۳۸۲، ش ۲۰۴، ص ۸؛ جامع فضل و فضیلت، ص ۳۱.

یوسف طباطبایی.^۱ او در جای دیگر از او این‌گونه یاد می‌کند: صبیّه مرحوم حاج سید محمد خلف مرحوم آقای آقا میر فتاح آقا طباطبائی نجل مرحوم حاج میرزا یوسف آقا مجتهد تبریزی.^۲

این بانوی با کرامت و اهل فضل نسبت به امور دینی، اجتماعی و مسائلی که در پیرامونش می‌گذشت با درایت، فراست و ارزیابی‌های خردمندانه برخورد می‌نمود.^۳ سیدالاطباء سید علی مرعشی که طیب جسم و جان انسان‌ها بود، به اتفاق همسرش شمس‌الشرف خانم در جوار بارگاه امیرمؤمنان علیه السلام در نجف اشرف روزگار می‌گذرانید.^۴ اگر چه صفای معنوی و طراوتی روحانی، بوستانی از فضیلت و پارسایی را در این خانواده به شکوفایی واداشته بود، اما فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر عراق و ایران دل و ذهن سید علی را دچار پژمردگی می‌ساخت؛ زیرا دولت عثمانی عتبات عراق را تحت سیطره خود درآورده و با وجود این که در مناطق مرکزی و جنوب این سرزمین شیعیان استقرار داشتند و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام در این نواحی پرتوافشانی می‌نمود و علما، سادات و مجتهدان رهبری دینی و اجتماعی آنان را عهده دار بودند، اما دولت حاکم، مذهب جعفری را به رسمیت نمی‌شناخت و پا را از این هم فراتر نهاده و با رفتارهای خشن و سخت‌گیری‌های فرساینده پیروان مذهب تشیع را تحت فشارهای نگران‌کننده‌ای قرار داده بودند. در ایران نیز سلسله قاجاریه ضمن این که به مردم این کشور ستم می‌نمودند، به بیگانگان امتیازاتی می‌دادند تا آنان ذخائر و منابع ملی و عمومی را غارت کنند و در واقع استبداد و استعمار برای ضربه زدن به جوامع شیعی متحد گردیده بودند. در این میان فرقه‌های منحرفی چون بابیه و بهائیه و وهابیون چون قارچ‌های سمی روئیده و با طغیان خود، دشواری‌هایی را برای عالمان و سایر اقشار شیعه بوجود می‌آوردند.^۵

صفر سال ۱۲۷۹ هـ / ۱۲۴۱ ش در چنین شرایط آشفته‌ای فرا رسید، در دوازدهم این ماه به رغم ایام سوگواری، اتفاقی در خانه سیدعلی مرعشی رخ داد که امواج

۱. مرجع فرهنگبان (مجموعه مقالات)، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۷۷۲.

۳. مرزبان حماسه‌ها، محمد باقر بدوی، ص ۳۳.

۴. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۱۶، و نیز ص ۷۷۲.

۵. تاریخ ایران زمین، محمد جواد مشکور، ص ۳۴۶ و ۳۵۴ - ۳۵۵؛ تاریخ سیاسی اقتصادی عراق، علی بیگدلی، ص ۲۵؛ تاریخ حرکت اسلامی در عراق، عبدالحلیم رهمی، ص ۶۶ - ۶۷.

نویددهنده و امیدوار کننده‌ای را برای اهلش به ارمغان آورد. این رویداد مقداری از آلام و ناراحتی‌های سید علی کاست؛ آری او صاحب فرزندی پسر گردید، پدر با مشاهده این نوباوه مسرور گردید و نشاط خاصی در دیدگان او برق زد، از این بابت خدای را سپاس گفت، فروغ سیمای فرزند، او را به وجد آورد، سید نوزاد را در آغوش گرفت و در حق او دعا کرد و از پروردگار خواست او را در زمره علمای ربّانی و مروّجان دین اسلام قرار دهد. سرود فرحزای توحید و نوای دل نشین اذان و اقامه که بر زبان پدر جاری گردید، گوش جان این کودک را نوازش داد، سید علی که کلبه خود را به نور جمال فرزند روشن می‌دید، با خدای خود عهد کرد که در تعلیم و تربیت این نورسته اهتمام ورزد. قلبش بر شادی و امید تکیه زده بود و آینده درخشانی را برای فرزندش آرزو می‌کرد. او مصمّم بود قلب پاک طفل خویش را با فضایل و مکارم آشنا سازد، تا دلش جلوه‌گاه کمالات ملکوتی گردد. نام محمود را برایش برگزید تا در مسیر زندگی، رفتاری پسندیده را پیش گیرد و خصلتی ستوده را در جان خویش شکوفا سازد و در این طریق به مکارم جدّ خویش رسول اکرم ﷺ که محمود هستی است، تأسی جوید.

اگر چه روزهای نخستین این کودک همچون دیگر اطفال می‌گذشت و رفته رفته او با بازی‌های خود و خنده‌های خویش برگرمی خانواده می‌افزود و با دست نوازش پر مهر و محبت والدین رشد می‌کرد، اما وی در خانواده‌ای به شکوفایی می‌رسید که به لحاظ نسبی با خاندان طهارت پیوستگی داشتند و از میان خاندانش مشاهیر زیادی برخاسته بودند، به علاوه او در بوستانی رویش داشت که جویبارهای ایمان و پرهیزگاری آن را سیراب می‌ساخت. پدر و مادرش علاقه داشتند او به گونه‌ای پرورش یابد که ضمن رشد فکری و معنوی برای فراگیری علوم و معارف دینی مهیا شود. سید محمود عبور از مرزهای کودکی را در پرتو رهنمودهای پدر و دل سوزی‌های مادر تجربه می‌کرد. چون به شش سالگی گام نهاد، فصل آموختن و ابتدای حیات تکاپوی آموزش وی آغاز گردیده بود، این توفیق نصیب آن نهال ناب گردید تا در محضر والدین فاضل و فرزانه، تلاوت قرآن و مقدمات دینی و ادبی را بیاموزد. مادرش که بانویی ادیب و مأنوس با معارف قرآن و عترت بود، خواندن و نوشتن را به این فرزندش آموزش می‌داد. ایامی بدین منوال گذشت و سید محمود ضمن این‌که توانست جرعه‌هایی از چشمه کمالات والدین را بنوشد، موفق گردید با راهنمایی والدین، راه آینده خویش را بیابد و آتیه روشن و امیدوار کننده‌ای را با همان ذهن کودکانه برای

خویش ترسیم نماید. او که می‌دید پدرش در پرتو معارف اسلامی و فهم احکام اسلامی و عمل به موازین اعتقادی و شرعی چه منزلتی دارد و در رفتار و کردارش کرامت‌های اخلاقی مشهود است و برای رضای حق تعالی، به بندگان خداوند متعال صادقانه خدمت می‌کند و در این راستا تمام توان علمی، فکری و تجارب خویش را به کار می‌گیرد و از سوی دیگر محبت‌های او و نوازش‌های مادر را لمس می‌کند، با نشاطی ویژه بر همت و تلاش خود می‌افزود و شوق دانش‌اندوزی در اعماق جاننش بیش از پیش شعله‌ور می‌گردد. در این طریق، تصمیم خویش را گرفت و برای تحصیل علوم حوزوی آماده شد و پدرش با آغوش باز پذیرای اشتیاق فرزندش به این راه نورانی گردید و خود اولین مربی و استادش به شمار آمد.

تحصیل فقه، اصول و حدیث

سید محمود بعد از این که در چنین فضای معنوی و علمی نشو و نما یافت و دوره مقدمات و سطوح دروس حوزوی را با موفقیت پشت سر نهاد، وارد حوزه‌های درس خارج فقه و اصول گردید و از مراجع بزرگ، فقهای عظام و علمای طراز اول آن زمان کسب فیض کرد. اساتید معروف و صاحب نام وی در این رشته از علوم اسلامی عبارتند از:

۱. پدرش سید علی شرف‌الدین سیدالحکماء و الاطباء
۲. مرجع مبارز و اصولی معروف آخوند ملامحمدکاظم خراسانی صاحب *کفایة الاصول*
۳. زعیم عالیقدر جهان تشیع و مجتهد زاهد و ژرف‌اندیش سید محمد کاظم یزدی طباطبایی صاحب کتاب *عروة الوثقی*
۴. آخوند ملا علی نهاوندی مؤلف کتاب *تشریح الاصول*
۵. شیخ هادی تهرانی، که اثر معروف او کتاب *المحججه* است
۶. سید محمد هاشم چهارسوقی اصفهانی، صاحب *مبانی الاصول*
۷. شیخ محمدحسن مامقانی، مؤلف آثاری چون *ذرایع الاحکام فی شرح شرایع الاسلام و بشری الوصول الی اسرار علم الاصول*
۸. شیخ عباس آل کاشف الغطاء نجفی
۹. حاج آقا رضا همدانی، مؤلف اثر معروفی به نام *مصباح الفقیه*
۱۰. شیخ الشریعه اصفهانی

۱۱. شیخ ملا محمد فاضل شریانی

۱۲. میرزا محمدحسین مرعشی شهرستانی حائری

۱۳. حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی

۱۴. شیخ محمد طه نجف

این بزرگوار معارفی چون علوم حدیث، درایه، رجال و تفسیرقرآن را از والد خویش آموخت؛ سپس از محضر حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل، حاج ملاعلی خلیلی و شیخ علی خاقانی نجفی این کمالات را فرا گرفت. ناگفته نماند که آیت الله سید شمس‌الدین محمود ادبیات عرب را که زیر بنای علوم اسلامی اعم از معقول و منقول می‌باشد، قبلاً از حوزه درسی عالمان و ادیبانی چون علامه حاج میرزا محمدعلی انصاری قراجه‌داغی تبریزی، سید حیدر حلّی، سیدجعفر حلّی و سید ابراهیم طباطبایی آل بحرالعلوم آموخته بود. بعد از آن که وی مدارج علمی را در این رشته از دانش‌های دینی پشت سر نهاد و به مقام پرافتخار اجتهاد و فقاہت نائل گردید، از بزرگان حوزه‌های نجف اشرف اجازات روایی و فقهی دریافت کرد. مشاهیر علمایی که به ایشان این اجازه‌ها را داده‌اند عبارتند از:

حاج میرزا حسین نوری (محدث نوری)، میرزا محمدحسین مرعشی حائری صاحب الموائد، ملا لطف‌الله مازندرانی لاریجانی، فاضل شریانی، شیخ محمدحسن مامقانی، شیخ محمدطه نجف، سید مرتضی کشمیری، شیخ زین‌العابدین مازندرانی، میرزا عبدالرحیم کلیری انصاری تبریزی، شیخ‌الشریعه اصفهانی، حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، میر حامدحسین هندی (صاحب عقبات الانوار)، - وی این اجازه را هنگام تشرف به عتبات عالیات عراق به سید شمس‌الدین داده است - ، شیخ عباس کاشف‌الغطاء نجفی، حاج میرزا محمدحسن آشتیانی، فاضل اردکانی، آخوند ملاحیب‌الله شریف کاشانی، سید ریحان‌الله کشفی بروجردی، حاج میرزا موسی تبریزی صاحب کتاب اوثق الوسائل، سید اسماعیل صدر، سید معزالدین محمد قزوینی حلّی، میرزا صالح قزوینی، میرزا جعفر طباطبایی حائری، میرزا محمد همدانی (امام الحرمین) و جدّ مادری خود سید محمد طباطبایی نجفی.^۱

۱. مکارم الآثار، ج ۶، ص ۲۲۳۸؛ موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۱۷؛ اعلام الشیعه، ج ۳، ص ۱۴۵۶؛ شهاب شریعت، ص ۱۰۲ - ۱۰۴.

سیاحت علمی، عرفانی و آموزشی

آیت الله سید محمود حسینی مرعشی ضمن این که در عتبات عراق و بخصوص حوزه‌های نجف اشرف مشغول تحصیل علوم منقول و برخی معارف دیگر دینی بود، از سیاحت علمی و آموزشی غافل نبود و به برخی از مناطق ایران چون آذربایجان، خراسان، فارس و اصفهان، ترکیه (استانبول)، هندوستان، شام (سوریه کنونی)، مصر و غیر آن مسافرت نمود و در این نقاط از محضر ارباب فضل و فضیلت استفاده‌های علمی و معنوی نمود و برخی مشتاقان را از کمالات اندوخته‌های فکری و معرفتی خویش برخوردار ساخت. ایشان در این حوزه‌های پربار موفق گردید در عرصه‌های گوناگون ذیل محضر نامورانی آراسته به علم و تقوا را درک کند:

۱. در علم کلام اسلامی و علوم ادیان از درس سید اسماعیل عقیلی نوری صاحب *کفایة الموحدین*، پدر بزرگوارش، سید حسن حائری و دیگران فیض بُرد.
۲. در عرفان علمی و نظری، اخلاق، سیر و سلوک و تهذیب نفس این سعادت را به خود اختصاص داد که از چشمه معنوی و عرفانی عالمان ربّانی آیات بزرگ ملا حسینقلی همدانی، ملا فتح علی سلطان‌آبادی (عراقی)، سید مرتضی کشمیری و شیخ مفید شیرازی جرحه‌های جان‌بخش و جاویدی بنوشد و از زندگی زاهدانه، رفتار علمی و شیوه‌های معاشرتی این بزرگان درس‌های ارزنده‌ای بیاموزد.
۳. در علوم عقلی، حکمت نظری، فلسفه و مباحث فکری محضر آیات معظم ملاباقر شکویی، میرزا محمدباقر اصطهباناتی، جهانگیرخان قشقایی، آخوند ملامحمد کاشی، آقا علی حکیم و میرزا ابوالحسن جلوّ زواره‌ای را که همگان از نخبگان عصر خویش در معارف معقول، حکمت و الهیات بودند غنیمت شمرد.
۴. در نسب شناسی که در واقع از علوم موروثی خاندان وی به شمار می‌آید، علاوه بر استفاده از کمالات و آگاهی‌های والد خویش، از افاضات علمایی چون حاج محمد نجف کرمانی (نسباً ساکن مشهد مقدّس رضوی)، سید حسّون نسّاب براقی نجفی، سید جعفر اعرجی کاظمی صاحب کتاب *مناهل الضرب فی أنساب العرب* و علامه سید علی عریضی بحرانی نجفی نسّاب محظوظ گردید.
۵. در علوم غریبه اعم از جفر، رمل، طلسمات، اوراد، اوفاق و اعداد و غیره نزد بزرگانی چون سید محمدتقی قزوینی، میرزا باقر ایروانی، حاج ملا علی نجف‌آبادی

اصفهانی، علامه میرزا احمد هندی ساکن کربلای معلی و والد علامه خویش شاگردی نمود و در این رشته از علوم، به آگاهی‌ها و توانایی‌های با ارزشی دست یافت.

۶. مبانی دانش طب را نخست از پدرش فرا گرفت، آنگاه به محضر میرزا حسن شیروانی، برادر مولا محمد شیروانی، صاحب کتاب *الصدف* راه یافت و نزد وی این علم را تکمیل نمود و در این رشته ممتاز و صاحب نظر گردید و با تلفیق علم و تجربه به طبابت و درمان بیماری‌های مردم پرداخت.

۷. آن فقیه فرزانه و حکیم عالی قدر هیئت، نجوم، فلکیات، ریاضی و هندسه را در حوزه پربار فضلالی نامدار ملا اسماعیل قره‌باغی، علامه آخوند ملاغلامحسین دربندی و میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی فرا گرفت.^۱

هم مباحثه‌ها و معاشرین ایام دانش اندوزی

آیت‌الله سید محمود مرعشی هنگام تحصیل در نجف اشرف و زانو زدن در برابر اساتید خود، با شخصیت‌های متعددی مانوس و مألوف گردید. برخی از این بزرگان عبارتند از: آیات ارجمند سید ابوالقاسم طباطبایی مؤلف کتاب *نجات العباد فی الفقه*، شیخ ابوالقاسم مامقانی و شیخ عبدالله مامقانی (فرزندان استادش شیخ محمدحسن مامقانی)، سید محسن امین عاملی مؤلف کتاب *اعیان الشیعه*، سید ابوالحسن انگجی، عارف وارسته شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی، سید عبدالله اعرجی، شیخ محمدباقر بیرجندی، شیخ محمدحسن میانجی تبریزی، شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء و جمعی دیگر.^۲

اما ایشان با دو شخصیت بیش از دیگران ارتباط داشت و با آنان موضوعات مطرح گردیده در جلسات درس استادان را به مباحثه و تبادل نظر می‌گذاشت که عبارتند از:

۱. آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ هـ). این مرجع عالیقدر سالیان متمادی در درس آیات عظام آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی حضور جدی داشت، دو بزرگواری که یکی در اصول و دیگری در فقه آثار گران‌سنگی به نگارش درآوردند. او درس‌های این دو شخصیت برجسته حوزه نجف را غالباً با سید

۱. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۱۸ - ۴۱۹؛ مکارم الآثار، ج ۶، ص ۲۲۳۸؛ مرزبان حماسه‌ها، ص ۲۵ و ۳۳؛ شهاب شریعت، ص ۱۰۳.

۲. الاجازة الکبیره، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، ص ۱۷ و ۸۲ و ۸۹ و ۱۲۵ و ۱۵۵؛ احسن الودیعه، ج ۲، ص ۱۰۷؛ مخزن المعانی، ص ۲۷۶؛ معارف الرجال، ج ۲، ص ۱۸۴.

محمود مرعشی مباحثه می نمود. به هنگام ارتباط این بزرگوار با فقیه یاد شده، متوجه گردید او دارای ذوقی سلیم، فهمی نیکو و نظری صائب در استنباط و درک مباحث اصولی و فقهی است. ژرف‌نگری این مجتهد والامقام در موضوعات علمی نیز ستودنی بود، جولان فکری و تحقیقاتش پیرامون یک مسأله فقهی باعث می گردید که در مورد آن موضوع دیدگاه‌های گوناگونی ارائه نماید و مسائل پیچیده علمی را قابل فهم سازد. سید شمس‌الدین به تدریج که با این زعیم عالیقدر جهان تشیع انس افزون‌تری برقرار می ساخت، به این واقعیت پی می برد که این دوست ایام تحصیل علاوه بر تبخّر در علوم و معارف اسلامی، در میدان فضیلت و اخلاق گوی سبقت را از برخی اقران خویش ربوده و به ملکاتی چون فروتنی، بزرگواری، ساده‌زیستی، فداکاری، خویشترن داری، توکل بر خداوند و توسّل به ائمه هدی علیهم‌السلام آراسته است.^۱

۲. شهید آیت‌الله سید حسن مدرّس طباطبائی زواره‌ای (۱۲۸۷ - ۱۳۵۶ هـ) این فقیه والامقام و عالم مبارز که در نبرد با استبداد و استعمار کارنامه درخشانی از خود به یادگار نهاد، در ایام اقامت در نجف اشرف و درک محضر مراجع عظام در درس خارج فقه و اصول با تنی چند از شاگردان این بزرگواران که بعدها خود در زمره مشاهیر جهان تشیع به شمار آمدند، بساط دوستی برقرار کرد و مطالب مطروحه توسط این مدرّسان مبرز را با آنان مباحثه می نمود. یکی از نادر دوستان وی سید محمود مرعشی است که از هوش سرشار، فراست، ذکاوت، موقع شناسی، شهامت و شجاعت این سید حسنی نکته‌ها آموخت و تحت تأثیر خُلق و خوی ملکوتی، وارستگی و قناعت وی قرار گرفت.^۲

آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی رحمته‌الله هنگامی که مدرّس در تهران اقامت گزید، با این یار دیرین والد خود ارتباط برقرار کرد و چند جلسه‌ای نزد او رفت و از پرتو افکار و اندوخته‌های علمی‌اش استفاده‌های فراوان بُرد و در مسائل سیاسی و اجتماعی از این مجتهد مقاوم درس‌های آموزنده‌ای فرا گرفت. ایشان دربارهٔ مدرّس نوشته است:

۱. دانشمندان و بزرگان اصفهان یا تذکرة القبور، سید مصلح‌الدین مهدوی، ص ۳۸ - ۳۹؛ گزیده دانشوران و رجال اصفهان، سید محمدعلی مبارکه‌ای، ص ۷۰ - ۷۱؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۳۱ - ۳۳۳؛ گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۲۱؛ مجله نور علم، دوره سوم، ش چهارم، مهر ۱۳۶۷، ص ۱۰۰ - ۱۰۱.
۲. شهید مدرّس ماه مجلس، از نگارنده، ص ۳۹ - ۴۰ و نیز ص ۶۰ - ۶۱.

آیت الله شهید آقای میر سید حسن مُدرّس از اجلّه علمای عصر و از رجال نامی ادوار اخیر بوده است. حقیر در سفر اخیر خود در تهران، نظر به مقام دوستی و علاقه‌مندی ایشان به مرحوم والد، مکرّر خدمتشان می‌رسیدم و از بیانات آن مرحوم مستفیض می‌شدم و از آن بزرگوار در روایت و احادیث استجازه نمودم.^۱

مرجع عالی مقام آیت الله مرعشی در جای دیگر می‌گوید:

هم‌مباحثه ایشان (شهید آیت الله مُدرّس) مرحومین آیات محترم سید ابوالحسن اصفهانی و آقا سید علی کازرونی متولّی مدرسه قوام شیرازی که از مدارس نجف اشرف می‌باشد، بوده است، مدّتی هم با مرحوم والد حقیر یعنی آیت الله سید محمود مرعشی حسینی مباحثه و مذاکره داشتند.^۲

کارنامه‌ای نورانی، پر بار و با برکت

علامه سید شمس‌الدین محمود بعد از فتح قله‌های علمی و عملی و آراسته گردیدن به فضل و فضیلت، در محورها و عرصه‌های ذیل تلاش‌های آموزشی، ترویجی و فکری خود را آغاز کرد:

۱. در حوزه علمیه نجف اشرف، مجلس درسی برگزار کرد و به تدریس متون دینی و معرفتی در منقول و معقول پرداخت و در سطوح حوزه و خارج فقه و اصول حوزه پر بار و جذّابی داشت و طّلاب فاضل و مشتاقان علوم اسلامی به محضرش شتافتند و از پرتو اندیشه‌ها و توانایی‌های علمی وی بهره می‌گرفتند. اگر چه در منابع رجالی و کتب شرح حال تصریح گردیده است ایشان شاگردان متعدّدی را تربیت کرد، ولی با وجود تتبع نگارنده، حتّی موفّق نشدم فهرستی از این پرورش‌یافتگان مکتب سید محمود مرعشی را احصاء کنم، تنها در کتبی که به تشریح زندگی آیت الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی پرداخته‌اند به این واقعیت اشاره گردیده است که وی در فقه، اصول فقه، تفسیر قرآن، حدیث، کلام/اسلامی، عقاید و معارف ادیان، اخلاق و عرفان نظری و عملی، طب، علم انساب و مشجّرات سادات آل رسول از محضر والد

۱. مدرّس قهرمان آزادی، حسین مکی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۷۶۷.

بزرگوارش استفاده می‌نموده و به دریافت اجازهٔ روایتی و فقهاتی از آن بزرگوار نائل آمده است.^۱ دربارهٔ اهتمام سیدمحمود به تربیت و پرورش فرزندش سیدشهاب‌الدین سند مهمی در پیوست همین نوشتار عرضه می‌شود.

آیت الله مرعشی نجفی در ذیل مشایخ خویش می‌گوید:

در علوم ادبی، فقه، کلام، رجال، درایت حدیث، تفسیر قرآن، علوم غریبه و نسب شناسی از مشایخ من مرحوم والد علامه می‌باشد.^۲

۲. علامه مرعشی نجفی در سفرهای متعددی که به برخی نقاط عراق عرب، ایران، هندوستان، ترکیه، سوریه و مصر داشته است با پیروان مذاهب و فرق گوناگون بحث‌های کلامی و عقیدتی داشته و در این جدال احسن حقایق از معارف خاندان طهارت را برای آنان مطرح نموده و برخی بدعت‌ها، تحریفات و انحرافات را که به مبانی اعتقادی این فرقه‌ها راه یافته تشریح نموده است. تسلط وی به این مباحث، دفاع عالمانه و صادقانه آن فقیه فرزانه از فرهنگ اهل‌بیت و اشارات روشن، مستند و مستدل او در خصوص نارسایی‌ها و اشکالات برخی نحله‌ها باعث گردیده عده‌ای از پیروان مذهب اهل تسنن، مسیحی، بابی و صوفی به تشییع گرایش پیدا کنند. آری این بزرگوار با چراغ فروزانی که فراروی آنان برافروخت، اندیشه‌ها، افکار و گرایش‌های این افراد چنان منور گردید که از میان آن دریا‌های متلاطم و ظلمانی، خود را نجات داده به میزان حق و انصاف تمسک نموده‌اند، به کمالات راستین روی آورده و با نوعی بصیرت و معرفت به ساحل سلامت و رستگاری رسیده‌اند.^۳

۳. آن حکیم ژرف‌اندیش و مجتهد زاهد به موازات فعالیت‌های علمی و آموزشی، از وعظ و خطابه، ترویج دین و تعظیم شعائر اسلامی هیچ‌گاه غفلت نداشت، او بر این باور بود که باید به میان مردم رفت و به انذار، هشدار و هدایت آنان پرداخت به این امید که اقشار گوناگون در مسیر رشد و تعالی قرار گیرند، مکارم اخلاقی را در وجود خویش شکوفا سازند و به اصلاح اعمال و رفتار و روابط اجتماعی مبادرت ورزند. نفوذ سخن و صدای جذّاب این عالم عامل حسّ معنوی را در شنوندگان بوجود

۱. شهاب شریعت، ص ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۸۵؛ مرزبان حماسه‌ها، ص ۲۵؛

جامع فضل و فضیلت، ص ۹۶؛ برستیغ نور، ص ۱۹.

۲. الترجمة الذاتیه، آیت الله مرعشی نجفی، در کتاب مرجع فرهنگیان، ج ۱، ص ۲۸۲ - ۲۸۶؛ السیرة الذاتیه،

همو، موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۰۷ - ۴۱۰.

۳. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۲۰.

می آورد، و چون جامع علوم و کمالات گوناگون بود و در معارف عقلی و نقلی تبخّر داشت، با این توانایی‌ها و نیز شناختی که از جامعه و مقتضیات زمان بدست آورده بود، مطالبی را بیان می‌کرد که ضمن اتقان فکری و عملی، به شیوه‌ای روان و شیوا و قابل درک عموم طرح می‌گردید و چون خود در فضایل اخلاقی و سلوک عرفانی به درجاتی ارتقا یافته بود و دل و ذهن را به نور تقوا و ایمان صفا داده بود، سخنانش بر دل‌ها اثر می‌گذاشت و اذهان را متحوّل می‌ساخت. به دلیل همین ویژگی و عظمت و خطابه، در منابع رجالی از او به عنوان واعظ و خطیب یاد کرده‌اند.^۱

۴. دانش انساب در میان خاندان سید شمس‌الدین محمود مرعشی علمی موروثی به شمار می‌آمد. وی که در این عرصه علاقه و ذوقی وافر داشت در تحصیل آن نزد والدش و دیگر استادان همّت گماشت، آنگاه خود به تتبع در این رشته روی آورد و ضمن احیای آثار علمای سلف به نگارش کتابهای مهمی در این موضوع پرداخت و این دانش را به برخی علاقه‌مندان آموزش داد. به علاوه عدّه‌ای از سادات، علویان و طالبیان از نقاط گوناگون به محضرش مراجعه می‌کردند و درباره‌ی نسب خودشان و تکمیل و مستند نمودن شجره‌ی سیادت سلسله‌ی خویش کمک می‌گرفتند و او هم با اشتیاق کامل و اخلاص وافر درباره‌ی رفع مشکل آنان اهتمام می‌ورزید و از راهنمایی و ارشاد آنان در این خصوص هیچ‌گاه مضایقه‌ای نداشت.^۲

۵. علامه سید محمود مرعشی در علم طب مهارت‌هایی ارزشمند بدست آورد و در واقع از جنبه‌های مهمّ تخصص و تبخّرش توانایی در پزشکی است. او در میان عوام و خواص به عنوان طبیبی ممتاز مشهور گردیده و چون در این کار بینا و بصیر بود، اعتماد افراد را در این عرصه به سوی خود جلب نمود. می‌کوشید بیماران را با دل‌سوزی و استفاده از تجارب آمیخته به علم خویش درمان کند، این کار را به قصد تقرب انجام می‌داد و در واقع هدفش از درمان بیماری‌ها در واقع نوعی خدمت نمودن به افرادی بود که از عوارض بیماری رنج می‌بردند. چون پدری رئوف با همه‌ی بیماران رفتار می‌نمود و با شفقت و عاطفه برای حلّ گرفتاری آنان دل‌سوزی نشان می‌داد، می‌کوشید آرامش را به آنان باز گرداند و غم‌ها و غصّه‌های ناشی از آلامشان را تا حدودی بزدايد. در واقع چون از علم پزشکی بهره داشت و با معارف دینی هم آشنا

۱. معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله، ج ۱۲، ص ۱۸۳؛ مقدمه کتاب احقاق الحق، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱.

۲. مرجع فرهنگبان، ج ۱، ص ۲۸۱؛ شهاب شریعت، ص ۱۰۲ و نیز ص ۱۶۳.

بود و نور حکمت و عرفان به دل و ذهنش راه یافته بود، از ورای دردهای عضوی بیماران به آشفتگی‌های روحی این افراد هم توجه داشت و نیک می‌دانست از آن روی وی را طیب نامیده‌اند که تسکین دهندهٔ نفوس هم می‌باشد.^۱

۶. این فقیه حکیم از همان روزگاران است که به فراگیری علوم حوزوی مشغول گردید به موازات کوشش‌های آموزشی، از تحقیق و تألیف غافل نبود و در هر کدام از رشته‌های علمی که تحصیل می‌نمود و تبخّری به دست می‌آورد، اثری به رشته نگارش در می‌آورد یا آن که بر نگاشته‌های علمای سلف و یا معاصر خویش در موضوعات گوناگون حاشیه می‌نوشت. در واقع وی در پژوهش و تصنیف آثار بسیار فعال، پر کار و اهل تتبع و تأملات فکری و علمی بود و تنوع آثارش بیانگر گسترهٔ دانش و عمق اطلاعات او می‌باشد، از این روی شرح حال نویسان از او به عنوان فاضل اهل تتبع یاد نموده‌اند.^۲

نگاشته‌های نفیس

فهرست آثار و تألیفات این دانشور ستوده خصال به شرح ذیل است:

۱. مشجرات العلویین: در چندین مجلد که شیخ محمد حرزالدین صاحب کتاب معارف الرجال درباره‌اش نوشته است: سید شمس‌الدین بخشی از این کتاب را به من داد تا بعد از مطالعه درباره‌اش اظهار نظر نمایم، چون آن را ملاحظه کردم، مشاهده نمودم از نظر دقت و اتقان بسیار عالمانه و محققانه به نگارش درآمده بود.
۲. الانساب: شیخ آقابزرگ تهرانی نسخه‌ای از آن را نزد فرزند سید شمس‌الدین محمود (آیت الله العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی) دیده است؛
۳. رساله فی فضائل السادة الأطهار؛
۴. رساله فی تراجم اعیان السادة المرعشیه؛
۵. مجموعه فیها عدّة تراجم؛
۶. حاشیه علی مزار البحار؛
۷. مستدرک أمل الأمل؛
۸. حاشیه علی عمده الطالب فی أنساب آل ابی طالب علیهم السلام؛

۱. معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام، ج ۳، ص ۱۱۸؛ شهاب شریعت، ص ۶۳.

۲. أعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، ج ۱۰، ص ۱۰۷؛ معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام، ج ۳، ص ۱۱۸.

۹. رساله فی تراجم بنی طاووس، که در مقدمه کتاب مهج الدعوات سیّد بن طاووس درج گردیده است؛
۱۰. مجمع الزیارات، حاوی مطالب و مباحثی در مزارات نجف اشرف؛
۱۱. حواشی علی منتهی المقال؛
۱۲. هادم اللذات فی ذکر الموت و الاعتبار، که شیخ آقابزرگ تهرانی آن را «هادم اللذات و قاتل الشهوات» نامیده و موضوعش را درباره یاد مرگ، عالم برزخ، و مجملی از احوال انبیاء و اولیاء که از دنیا اعراض نموده‌اند، معرّفی کرده و افزوده است نسخه‌ای از آن را نزد آیت‌الله سید شهاب‌الدین، فرزندش، در قم دیدم که در سال ۱۳۳۰ هـ در نجف از آن فراغت یافته است؛
۱۳. حاشیه علی تفسیر البیضاوی؛
۱۴. حاشیه بر فارسی هیئت؛
۱۵. کتاب فی الهیئة؛
۱۶. کتاب فی الهندسه؛
۱۷. حاشیه علی القانون فی الطب ابوعلی سینا؛
۱۸. حاشیه علی حاشیه ملا عبدالله فی المنطق؛
۱۹. حاشیه علی شرح المطالع؛
۲۰. حاشیه المطول؛
۲۱. حاشیه معالم الاصول، که بخشی از این کتاب همراه برخی از چاپ‌های کتاب معالم منتشر شده است. نسخه‌ای از آن به شماره ۱۸۲۸ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی موجود می‌باشد؛
۲۲. حاشیه ریاض المسائل، که نسخه مخطوطی از آن به شماره ۲۶۲۳، در کتابخانه مذکور مضبوط است؛
۲۳. طرائق الرياض، نسخه خطی آن با شماره ۲۷۱۸، در کتابخانه فوق موجود است؛
۲۴. حاشیه علی المشتقات تصنیف میرزا صادق آقا تبریزی؛
۲۵. رساله فی تحدید الکر و زناً و مساحه؛
۲۶. رساله فی شرح المتاجر؛
۲۷. حاشیه علی مکاسب الشیخ الانصاری؛

۲۸. مناسک حج که به طبع رسیده است؛

۲۹. حاشیه علی کفایة الاصول آخوند خراسانی؛

۳۰. حاشیه علی شرح اللمعة فی الفقه؛

۳۱. حاشیه علی قوانین الاصول میرزای قمی که به مهذب القوانین هم موسوم است؛

۳۲. رساله فی وجوب صلاه الجمعة عیناً فی زمن الغیبة؛

۳۳. الوجیز فی الزیارات که همراه کتاب سلامة المرصاد میرزا حسین نوری چاپ

شده است!

کمالات علمی و عملی از دیدگاه علما

شیخ مرتضی انصاری «شیخ اعظم» به این دانشمند و فقیه فرزانه لقب علامه داد، شیخ راضی نجفی او را به لقب شمس‌الدین مفتخر ساخت و ملا علی خلیلی رازی او را با کنیه ابوالمکارم مخاطب قرار داد.^۱ این کار در میان علمای قدیم در نجف مرسوم بوده که کودک نوزاد را برای انتخاب نام نزد علمای بزرگ می‌بردند و هر یک از علما، نام و لقب و کنیه او را انتخاب می‌کردند.

عمر رضا کحاله در وصف ایشان نوشته است:

فقیه اصولی واعظ، نسابه، فلکی، مهندس، محمود فرزند علی فرزند محمد حسینی مرعشی نجفی متخلص به شمس‌الدین که دارای تصانیفی در فقه، اصول فقه، اخلاق، هیئت، طب و نسب شناسی می‌باشد.^۳

شیخ آقابزرگ تهرانی می‌نویسد:

سید محمود فرزند سید علی معروف به شمس‌الدین، عالم فاضل متبّع ماهر،

۱. این فهرست براساس مدارک ذیل تنظیم گردیده است: الذریعه، ج ۲، ص ۳۷۵، ج ۴، ص ۵۷، ج ۶، ص ۱۶۹ و ۱۷۹، ج ۲۳، ص ۲۸۷ و ۲۹۵، ج ۲۴، ص ۱۳۴ و ج ۲۵، ص ۵۲؛ اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۰۷؛ موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۲۰؛ شهاب شریعت، ص ۱۰۵ و ۱۰۶. گفتنی است وقف نامه‌ای که در فهرستواره دست نوشته‌های ایران (دنا) ج ۱۰، ص ۱۱۰۲ و ص ۱۱۰۳ به محمود بن علی مرعشی (۱۳۳۸ هـ) شخصیت مورد بحث در این مقاله نسبت داده شده، در واقع از شجاع‌الدین محمود بن علی مرعشی (زنده در ۹۸۳ هـ) است که در فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۴ ص ۴۱ به تفصیل معرفی شده است.

۲. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۱۶.

۳. معجم المؤلفین، ج ۱۲، ص ۱۸۳.

طیب نَسَبه متولد ۱۲ محرم ۱۲۷۹ که انواع علوم و معارف را نزد جمع کثیر از استادان شاگردی کرد و آثار متعددی از خود بر جای نهاد و در سیزدهم صفر المظفر ۱۳۳۸ رحلت نمود.^۱

سید محسن امین جبل عاملی وی را این گونه معرفی می نماید:

سید شمس الدین محمود فرزند سید علی حکیم باشی حسینی طباطبایی تبریزی عالم نَسب شناس و محدّث رجالی که نزد علمای نجف درس خواند و موفق به دریافت اجازه از میر حامد حسین، محدّث نوری، سید محمد طباطبایی صاحب بلغة الفقیه، سید محمد هندی نجفی و دیگران گردید.

در ادامه سید محسن امین شانزده اثر از تألیف وی را بر شمرده است.^۲
شیخ محمدهادی امینی می گوید:

سید (شمس الدین) فرزند شرف الدین علی (۱۲۶۰ - ۱۳۳۸هـ) فقیه دانشمند، اصولی محقق، مؤلف اهل تتبع، متخصص در دانش انساب و رجال، هم چنین صاحب نظر در مشجرات سادات علوی، مورخ مورد وثوق، متبحر در علم طب و آراسته به اخلاق کریمه و خصال رفیعه.^۳

میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی از وی چنین یاد می کند:

سید شمس الدین فرزند سید علی (سیدالاطبا) از علما و فقهای عصر ما بود و در علم نَسب، رجال، تاریخ، فقه و اصول از رجال اجلّه فحول به شمار می آمد. در صفر المظفر ۱۲۷۹ / ۱۲۴۱ ش، چنان که شیخ حسین آل محفوظ طی نامه ای به آقای سید محمدعلی روضاتی نوشته، در نجف متولد شده است. نزد چند نفر از علما درس خوانده و از چند نفرشان از جمله پدر خود اجازت روایت

۱. نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، مجلد هفدهم از کتاب طبقات اعلام الشیعه ص ۳۱۹؛ الذریعه، ج ۶، ص ۱۶۹.

۲. اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۱۰، ص ۱۰۷.

۳. معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام، ج ۳، ص ۱۱۸.

گرفته و چندین نفر را از فیض تدریس و اجازت روایت بهره‌مند نموده، از آن جمله فرزندش آقای [آیت الله سید شهاب‌الدین مرعشی] نجفی و چندین کتاب هم نوشته است و در سنه ۱۳۳۸ هـ در نجف وفات کرده، چنان که شیخ آقابرگ تهرانی در کتاب الذریعه فرموده و نیز در دو نامه که فرزند مرقومش در چهارم جمادی الثانی ۱۳۵۷ و ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۶۶ به این فقیر نوشته، ذکر شده، پس این که در مجله المرشد، سال اول شماره سوم فوتش را در سنه ۱۳۳۷ هـ نوشته اشتباه است.^۱

معلم حبیب‌آبادی ذیل شرح حال سیدالاطباء تبریزی نگاشته است:

مرحوم صاحب عنوان چنان که در اجازه آیت الله مرعشی نجفی مرقوم برای آقای میرزا احمد روضاتی نوشته شده روایت می‌کند از پدرش (سید محمد فلکی) و روایت می‌کند از او فرزندش میرزا محمود.^۲

مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری از نوادگان شیخ اعظم انصاری رحمته الله ذیل حاشیه‌نویسان بر کتابهای آن شیخ جلیل‌القدر، در معرفتی سید محمود ملقب به شمس‌الدین چنین نوشته است:

او عالمی فقیه، اصولی، رجالی، مورخ دارای تخصص و تبحر در مشجرات سادات علوی، متخلق به مکارم اخلاقی، دارای وقار و مجتهدی بُردبار بوده است.^۳

آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی والد خود را چنین وصف کرده است: علامه و حجة الاسلام نابغه ایام، آیت‌الله فی العالمین، امام قدوه در فقه، اصول، حدیث، نسب، ادب، تاریخ، کلام، علوم غریبه و غیره.^۴

۱. مکارم الآثار، معلم حبیب‌آبادی، ج ۶، ص ۲۲۳۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، حاج شیخ مرتضی انصاری، ص ۵۰۸ - ۵۰۹.

۴. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۱۵ - ۴۱۶.

آن زعیم عالی مقام شیعیان در مطلبی تحت عنوان «السيرة الذاتية» این بزرگوار را چنین معرفی نموده است:

او علامه روزگار، آیت‌الله، فخر خاندان، جامع خصال علویان و نسابه عصر می‌باشد که صاحب تألیفاتی در فنون علمی و نسب‌شناسی است و از آثار اوست: *مشجرات السادات العلویین* و *وارسته‌ترین فردی* است که تا این زمان دیدم، شب زنده‌دار و سحرخیز و متورع بود و سحرگاهان به انابه، تضرع و زاری می‌پرداخت. مدتی به جانب هند و بلاد ترکیه سفر کرد و ضمن این که به محافل علما حاضر می‌گردید و از دانش آنان استفاده می‌نمود، خود نیز جمعی را در علوم گوناگون به فیض می‌رسانید.^۱

وی در جای دیگر تحت عنوان شرح حال جدش سیدالاطباء (سید علی مرعشی) ذیل فرزندان ایشان می‌نویسد:

حجّت الاسلام آقای آقا سید محمود شمس‌الدین که در سنه ۱۲۷۹ قمری متولد و در سنه ۱۳۳۸ هـ در نجف اشرف وفات نموده است، از جمله علمای متبحر در نسب، تاریخ، رجال و درایه بودند، ترجمه ایشان را در *مجله المرشد و الحصون المنیعة و اعیان الشیعة* ثبت نموده‌اند.^۲

آیت الله مرعشی در *دیباچه لباب الانساب* از والد ماجد خویش این گونه سخن گفته است:

فقیه اصولی، محدث مفسر حکیم متکلم، نسابه مشهور، ریاضی‌دان، رجالی و متبحر در علوم غریبه.^۳

صفای نفس و طراوت روح

علامه سید شمس‌الدین محمود مرعشی نجفی به موازات تلاش‌های گوناگون علمی، آموزشی، و ارشادی، فضیلت‌های اخلاقی و حکمت عملی را در مزرعه وجود

۱. همان، ج ۱، ص ۴۰۳ - ۴۰۴؛ مرجع فرهنگیان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲. *موسوعة العلامة المرعشی*، ج ۱، ص ۷۷۰.

۳. *لباب الانساب بیهقی*، ج ۱، مقدمه، ص ۱۳۷.

خویش شکوفا ساخته بود و دل و ذهن را به نور پرهیزگاری و ایمان زینت داده بود. تمرین‌های مداوم و مکرر معنوی و پرهیزهای منطقی و معقول ضمن این که به روح و روانش نیرو، نشاط و آرامش داده بود، باعث گردید او بر نفس اماره و امیال خویش چیره شود، و برای این که تقوا در وجودش، به طور مستمر در حال پرتوافشانی باشد با ذکر و یاد خدا مانوس گردید؛ زیرا اعتقاد داشت اشتغالات روزمره، او را در امواجی از غفلت قرار می‌دهد، سحرگاهان بستر گرم و راحتی را ترک می‌نمود و از جای خویش برمی‌خاست و به ذکر، دعا و انابه می‌پرداخت و در قنوت نماز شب تضرعی توأم با اشک، ناله و زاری داشت. شب زنده‌داری و تهجد آن‌چنان در صفای نفس و طراوت روحش اثر گذاشته بود که او را در مسیر زندگی ثابت قدم و استوار ساخت و چون این حالات معنوی نوعی تزکیه درونی را به ارمغان آورده بود، حجاب‌ها و حایل‌های گوناگونی که او را از توجه به ذات ربوبی باز می‌داشت و وی را اسیر خودهای کاذب می‌ساخت تا حدودی برطرف گردید. این وارستگی سید محمود از قید خواهش‌های نفسانی و تعلقات دنیوی که مٹکی بر بصیرت و معرفت و مجاهدت‌های فراوانی بود، قلبش را متوجّه درگاه الهی نمود و به آن سرعت اتّصال بخشید و از این رهگذر لیاقت‌های لازم را برای دریافت فیوضات الهی بدست آورد.

از آن‌جا که دلش به نور ایمان، حکمت و معرفت روشن گردیده بود، از آن‌چنان قدرت و پشتوانه‌ای برخوردار گردید که لذت‌های زودگذر رفاهی، اهداف و مقاصد پست دنیوی و حتّی تعلقات علمی و فکری نمی‌توانست او را به اسارت درآورد، در واقع به برکت این تمرینات معنوی و با ارزش توجهش از اموری که مردم آنها را کمالات مطلوب و خواسته‌های ممدوح تلقّی می‌کردند عبور کرده و نوعی بی‌رغبتی در ناحیه اندیشه، آمال و آرزوهایش بوجود آورده بود. زهد و وارستگی موجب گردید او منافع دیگران را بر آسایش خویش مقدّم بدارد و خویشتن را برای کاستن از آلام مردم به رنج و سختی بیفکند، با وجود آن‌که استفاده از امکانات متداول زندگی برایش به خوبی فراهم بوده ساده، بی‌تکلف و در کمال قناعت روزگار می‌گذرانید. از این‌که به محرومان کمک کند و آنان را تحسند سازد، بیش از این لذت می‌برد که اسباب راحتی و رفاه خود را فراهم نماید. از آن‌جا که ورع و زهد نیازهایش را تقلیل داده بود و به نسبت کاستن از خواستن‌ها، خویشتن را از اسارت‌های دنیا طلبان رها کرده بود، با عزّت نفس و مناعت طبع می‌زیست، در زیر این چرخ کبود از هر گونه رنگ تعلّق آزاد

گردیده و با احراز این فضیلت سبکبار و سبکبال زندگی می‌کرد. روی آوردن به تهذیب نفس و سلوک عرفانی آن هم مطابق موازین دینی و شرعی محبتی ملکوتی را در دلش شعله‌ور ساخت به گونه‌ای که نسبت به انبیاء و اولیای الهی ارادت می‌ورزید، از سوی دیگر چون پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت او عَلَيْهِمُ السَّلَام از هر گونه نقصی منزّه‌اند، آن بزرگواران را شایسته مهرورزی می‌دانست، این ارتباط قلبی وسیله‌ای برای جلب نور معنویت و معرفت از خورشید ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌گردید و در ضمن، بیانگر جهت‌گیری‌های این عالم عامل در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی بود. همین حبّ و علاقه باعث گردیده بود او ارتباطی تنگاتنگ با آستان مقدس ائمه مدفون در عتبات عراق به ویژه بارگاه مبارک حضرت علی عَلِيٌّ در نجف اشرف داشته باشد. وی وقتی صاحب فرزندى می‌گردید بعد از تطهیر و تنظیف، آن طفل را به آستان مقدس علوی می‌برد و در واقع نخستین روزهای اطفالش با رایحه عطراگین و با قداست ضریح امیرمؤمنان عَلِيٌّ عطراگین می‌ساخت. هم چنین هرگاه مشکلی برای خود و اهل خانه‌اش به وجود می‌آمد به روح پاک و مطهر ائمه هدی متوسل می‌گردید.^۱

شخصیت‌های مشابه و هم نام

رجال ذیل با این بزرگوار تشابه اسمی و یا اسمی و لقبی دارند:

۱. سید شجاع‌الدین محمود بن علی حسینی مرعشی، از دانشمندان بزرگ عصر صفوی (زنده در ۹۸۳هـ) جدّ سلطان‌العلماء آملی، که تصویری از وقف‌نامه وی به شماره ۱۳۲۴ در فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۴ ص ۴۱ معرفی شده است.

۲. سید محمود معلّم مرعشی (۱۲۸۶ - ۱۳۵۵هـ) از رجال قرن چهاردهم هجری که شیخ آقابزرگ تهرانی در نقباءالبشر به معرفی وی پرداخته است.^۲

۳. سید شمس‌الدین مرعشی نجفی فرزند آیت‌الله سید مرتضی مرعشی نجفی متولد ۱۳۶۳هـ، وی بعد از شش سال تحصیل در مکتب مدرّسان حوزه تبریز به قم مهاجرت نمود و بعد از تکمیل سطح حوزه، در درس خارج فقه و اصول آیات عظام مرعشی

۱. معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام، ج ۳، ص ۱۱۸۸؛ مرجع فرهنگیان، ج ۱، ص ۲۸۲؛ موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ گنجینه شهاب ج ۱، ص ۱۹۹؛ مجله کیهان فرهنگی، ش ۲۰۴، مهر ۱۳۸۲، ص ۸؛ جامع فضل و فضیلت، ص ۳۰؛ شهاب شریعت، ص ۱۱۳ - ۱۱۴.
۲. طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۲.

نجفی (عمویش)، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی، گلپایگانی و میرزا جواد تبریزی شرکت کرد و از برخی استادان خود اجازات روایی و فقهی دریافت کرد. این فقیه نامدار به تألیف آثار در کلام اسلامی، فقه و اصول پرداخت و در حوزه قم به تدریس سطوح عالی اشتغال ورزید.^۱

۴. سید محمود مرعشی شوشتری که در ۱۳۰۷ هـ در خانواده‌ای اهل فضل و فضیلت دیده به جهان هستی گشود. شش ساله بود که همراه والدین به عتبات عراق هجرت نمود و بعد از آن که مقدمات را نزد پدرش آیت‌الله سید سلطان‌علی و برادرش آیت‌الله سید احمد مرعشی فرا گرفت، در سطوح حوزه محضر آیات بزرگوار آقا ضیاءالدین عراقی، شیخ علی قوچانی، شیخ علی محمد یزدی و شیخ علی گنابادی را درک کرد، آن‌گاه به درس خارج فقه و اصول آخوند خراسانی، سید محمدکاظم یزدی و میرزا محمدحسین غروی نائینی راه یافت و به درجه اجتهاد نائل گردید. او این افتخار را بدست آورد تا دختر عارف عابد و زاهد بصیر آیت‌الله سید مرتضی کشمیری را به همسری خود برگزیند.

سید محمود مرعشی بعد از وصول به درجات عالی حوزوی به تدریس و تألیف پرداخت و این تلاش علمی و آموزشی او در نجف اشرف متجاوز از نیم قرن طول کشید، سپس عازم آفریقا گردید و در برخی نواحی این قاره مسلمان نشین به تبلیغ و نشر معارف تشیع پرداخت و در زمان حیات فقیه مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی رهسپار تهران گشت و چندین سال در این شهر به اقامه جماعت و هدایت اقشار گوناگون اشتغال ورزید و در هنگام زعامت آیت‌الله بروجردی آهنگ هجرت به قم را نمود و در حوزه این دیار زیارتی جلسات درسی خارج فقه و اصول تشکیل داد. سرانجام در ۲۷ شوال المکرم ۱۴۰۸ هـ / خرداد ۱۳۶۷ ش به سرای باقی شتافت و پیکرش در جوار بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.^۲

۵. حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود مرعشی (متولد ۱۳۲۰ ش) نواده وی و متولی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که شرح حالش را اینجانب به

۱. گلشن ابرار، ج ۷، ص ۴۲۸؛ گلشن ابرار آذربایجان، ج ۳، ص ۱۳۶ - ۱۳۷.

۲. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۲، ص ۲۶۰؛ رجال الفکر و الادب فی النجف، ج ۳، ص ۱۸۴؛ گلستان پیامبر ص ۸۱؛ گلشن ابرار، ج ۹، ص ۴۰۶.

تفصیل نوشته‌ام و در کتابهای جامع فضل و فضیلت، مرزبان فرهنگ جلد اول و نیز ارجنامهٔ مرعشیان درج گردیده است.

خانواده و فرزندان

سید محمود مرعشی در سال ۱۳۱۲هـ با علویه بی‌بی فاطمه سبزواری دختر سیدحسین سبزواری، ازدواج کرد. حاصل این پیوند پاک سیدی به نام سید علی بود. این بانو همراه فرزندش بعد از متارکه به سبزواری رفت، سید علی تحصیلات را تا درجهٔ اجتهاد ادامه داد و در سبزواری به طبابت و معالجهٔ بیماران از طریق طب سنتی پرداخت. نکاح مجدد این حکیم طیب با علویه محترمه صاحب‌خانم دختر آیت‌الله سیدابوالقاسم حسینی کوه‌کمره‌ای خویی بود که در جمعه اول شعبان المعظم ۱۳۱۴ روی داد. نسب این بانو که از خاندان اصیل، محترم و با فضیلت خطهٔ آذربایجان بود به حضرت امام سجاد علیه السلام می‌رسد. او در ۲۸ رمضان المبارک ۱۲۹۹ در تبریز متولد گردید و در ۱۳۳۵هـ در نجف اشرف درگذشت و پیکرش در وادی السلام این دیار مقدس مدفون گردید.

حاصل ازدواج علامه سید محمود مرعشی با بانوی یاد شده دو پسر و دو دختر به شرح ذیل می‌باشد:

۱. حضرت آیت‌الله العظمی ابوالمعالی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی از مراجع عظام تقلید و مؤسس نخستین کتابخانه بزرگ کشور از لحاظ نسخه‌های خطی بسیار نفیس و کهن شیعی می‌باشد که شرح حالش در منابع بسیاری افزون بر یکصد منبع از جمله گلشن ابرار و کتاب جامع فضل و فضیلت آمده است.

۲. آیت‌الله ابوالمجد سید ضیاءالدین مرتضی حسینی مرعشی نجفی (۱۳۲۵ - ۱۴۱۶هـ)، وی در نه سالگی مادر و در چهارده سالگی پدر خویش را از دست داد و تحت سرپرستی دایی خود سید حسن خویی به تبریز انتقال یافت و به مدت هفت سال در این شهر به تحصیل علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام تا سطوح عالی پرداخت و در ۲۱ سالگی به قم سفر کرد و به اصرار آیت‌الله مؤسس، شیخ عبدالکریم حائری و برادر بزرگوار خود (آیت‌الله مرعشی نجفی) به مدت چهار سال در این شهر از محضر آیات عظام حائری یزدی، سید محمدتقی خوانساری و علامه زاهد شیخ اسدالله قمی بهره علمی و معنوی بُرد و خود نیز شرح لمعه و مطول را تدریس می‌کرد. آنگاه عازم نجف اشرف گردید و در حوزه‌های درسی آیات عظام نائینی و میرزا ابوالحسن مشکینی

شرکت کرد و از کمالات این دو بزرگوار استفاده نمود و به موازات آن، رجال درایه، حدیث و حکمت را فرا گرفت و به تدریس مکاسب و رسائل شیخ انصاری اقدام نمود و در اندک مدتی جزو مدرّسین طراز اول نجف اشرف قرار گرفت. در سال ۱۳۶۰هـ علیرغم مخالفت شدید مرجع تقلید وقت، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، بعد از اصرار شدید ایشان، به منظور زیارت آستان قدس رضوی و به جای آوردن صله ارحام به مشهد رضوی آمد و جهت دیدار با خویشاوندان به تبریز رفت و چون خواست به عتبات عراق باز گردد، با تقاضای علمای تبریز، بستگان و دایی ایشان، در همان شهر اقامت گزید و حوزه درس خارج فقه و اصول را تا زمان رحلت تشکیل داد و در ضمن تدریس و ارشاد اهالی، به تألیف و تحقیق روی آورد.

سید شمس الدین محمود مرعشی راجع به این فرزندش می نویسد:

از خداوند مسئلت می نمایم این فرزند را هم خلف صالح حقیر و مروج دین قرار بدهد. آثار نبوغ در او زیاد می بینم، کام او را با تربت حضرت سید الشهداء و آب فرات برداشته ایم. ای فرزند عزیزم از نماز شب غفلت ننما، تهجد شب شخص را به مقامات عالی می رساند، از مناجات و ابتهال نیمه شب نباید غفلت کرد.

سید مرتضی مرعشی در فروردین ۱۳۷۵ش درگذشت و پیکرش در صحن حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم دفن گشت.

۳. فاطمه ملقب به خانم نجفی (۱۳۱۸ - ۱۴۱۲هـ)، وی به عقد ازدواج حاج حسن آقا واعظی از خانواده های با اصالت، روحانی و مشهور تبریز درآمد و دارای چهار فرزند گردید. این بانو به سال ۱۴۱۲هـ در تهران درگذشت و پیکرش در بهشت زهرا دفن گردید.

۴. مرضیه مکنی به امّ ابیها (۱۳۳۰ - ۱۳۹۰هـ) که آقای شریف از اخیار و اوتاد بازار تهران او را به عنوان همسر خویش برگزید و محصول این ازدواج پنج فرزند می باشد.

مرضیه خانم در ۱۳۹۰ هـ در تهران چشم از جهان فروبست و بدنش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.^۱

آرامش در جوار رحمت پروردگار

علامه سید شمس الدین محمود مرعشی بعد از عمری با برکت و برجای گذاشتن کارنامه علمی و فکری درخشان، پربار و با ارزش از خود در بیست و سوم صفر المظفر ۱۳۳۸ هـ مطابق اواخر آبان سال ۱۲۹۸ ش در نجف اشرف به سوی سرای باقی شتافت. در تشییع پیکر آن عالم ربّانی کثیری از علما، فضلا و طلاب این دیار زیارتی حضور داشتند. بدن این فقیه حکیم را در قبرستان وادی السلام، مجاور مرقد والد بزرگوارش در حوالی مقام مهدی علیه السلام دفن کردند. به مناسبت ارتحال وی مجالس ترحیم متعدّدی از سوی اعلام و مراجع و مشاهیر عتبات عراق و ایران منعقد گردید و در این محافل ضمن سوگواری و ماتم داری از مقام علمی و معنوی ایشان تجلیل به عمل آمد.^۲

آیت الله مرعشی نجفی می گوید:

عده‌ای از بزرگان تهران از وی خواستند برای ترویج دین به این شهر بیاید، در اواخر شبی که صبح آن، قصد خروج از نجف اشرف را داشت به حرم شریف علوی رفت و به عنوان وداع با آن حضرت به حالت تضرّع و زاری عرض کرد: ای امیرمؤمنان این محاسن را در راه احیای معارف شما خاندان سپید کردم و ایام عمر را در چنین مسیری صرف نمودم، اجازه نده در این اواخر عمر از جوارتان جدا شوم و به امور ریاست دنیوی مشغول گردم. پس از این درد دل با جدّ خویش مولای متقیان، از بارگاه حضرت علی علیه السلام بیرون آمد.

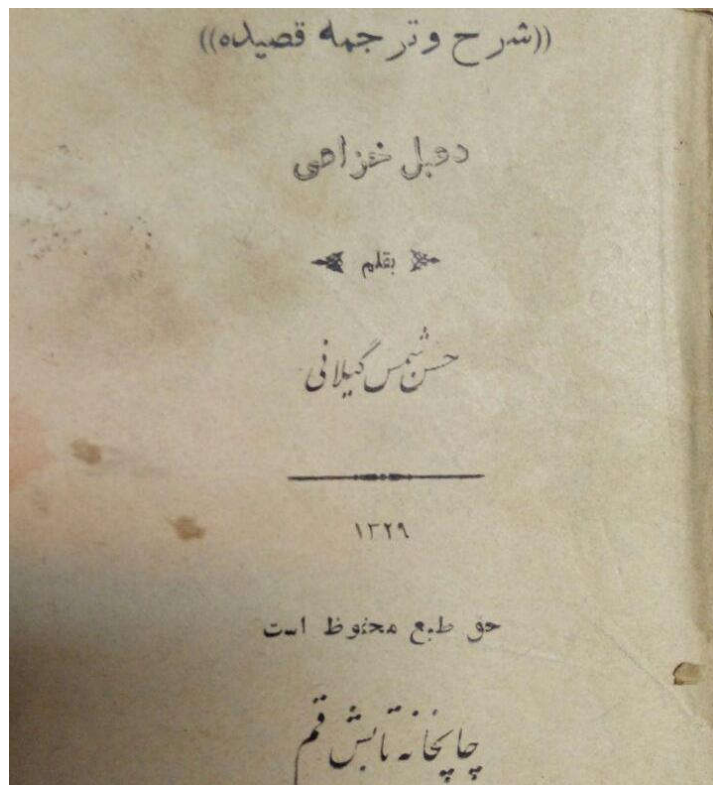
سحرگاهان طبق عادت مألوف از خواب شیرین برخاست تا به تهجد پردازد و با خدای خویش خلوت نموده و با او راز و نیاز نماید که ناگهان از بالای پشت بام بر زمین افتاد و از هوش رفت تا اینکه روح پاکش به سوی عالم ملکوت

۱. مرجع فرهنگبان، ج ۱، ص ۲۸۲؛ جامع فضل و فضیلت، ص ۱۸ و ۲۵؛ شهاب شریعت، ص ۱۰۶ - ۱۱۰؛ ویژه نامه کنگره بین المللی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۵ - ۲۶؛ ستارگان حرم، ج ۳، ص ۲۷۱ - ۲۷۶؛ اختران فضیلت، ج ۱، ص ۲۸۲ - ۷۸۴؛ موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۲۰.
 ۲. الذریعه، ج ۲۵، ص ۱۴۸؛ معجم رجال الفکر و الادب فی النجف، ج ۳، ص ۱۱۸۸؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۹؛ شهاب شریعت، ص ۱۰۶؛ ویژه نامه کنگره بین المللی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۱.

پرواز کرد. این اتفاق در شب جمعه از سال ۱۳۳۸ هـ رخ داده است.^۱

پیوست یکم:

در ابتدای کتاب مختصر شرح و ترجمه قصیده دعبل خزاعی در مدح ائمه اطهار علیهم السلام که در محضر امام رضا علیه السلام خوانده است، به قلم مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حسن شمس گیلانی، مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله بدرخواست مترجم، طریق روایتش را در نقل قصیده دعبل آورده است. جالب اینکه می‌فرماید: این قصیده را همراه با چند قصیده دیگر در مدح ائمه اطهار علیهم السلام، در نزد پدرم خواندم و اجازه روایت آن را دریافت نمودم.



۱. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۴۲۰ و نیز ص ۷۷۰؛ مرجع فرهنگیان، ج ۱، ص ۲۸۲.

بِسْمِهِ تَعَالَى

و بعد فقد سئلني عن سندی الى قصيده دعبل الخزاعي
 شاعر اهل البيت وما دجهم الاخ الاكرم زين الافاضل
 فخر اقرانه والمعائل ثثة الاسلام الشيخ الشمس الجيلاني
 نجل الخطيب المصقع ناشر آثار الاطهار المتكلم المنطوق
 حضرة الحاج اعتماد الواعظين ادام الله بركاتهما فاجبت
 مسئوله وافول ان هذه القصيده وقصيده فرزدق في مدح
 مولانا السجاد وهاشميات الكميث بن زياد و تخميس قصيدة
 المزرى و بنود المحتشم الشاعر الكاشاني و القصيد
 البغية السيد الحميري وغيرهما من غرر المرثي والمدائح
 التي جادت بها القرائح الصافية في وداد آل الرسول والتي
 هبت عليها من جانبهم نسمات القبول قرأت كلها على
 والدي ومولاي وسیدی شرف العترة وفخر بنی الزهراء
 نسابة عصر الحجج الباهرة السيد شمس الدين محمود
 الحسيني المرعشي المتوفى ۱۴۳۸ و هو قرء على والده
 لعلامة النسا به خريبات الثنون المتنوعة السيد شرف الدين
 علي الحسيني المرعشي المتوفى ۱۴۱۶ و هو قرء على
 والده العلامة البحائه في العلوم الحاج السيد محمد
 الحسيني المرعشي المتوفى ۱۴۶۴ و هو قرء على العلامة
 الحبر البحر الخضم السيد محمد الجواد الحسيني العاملي
 صاحب مفتاح الكرامة بطرقه المعلومه المنتهيه الى
 العلماء والمحدثين الذين نقلوا تلك القصائد فلجناب
 الشيخ شمس ان يروي عنی تلك الدرر احسان و
 فلائد العيان بهذا الطريق وغيره وارجو من فضله تعالی

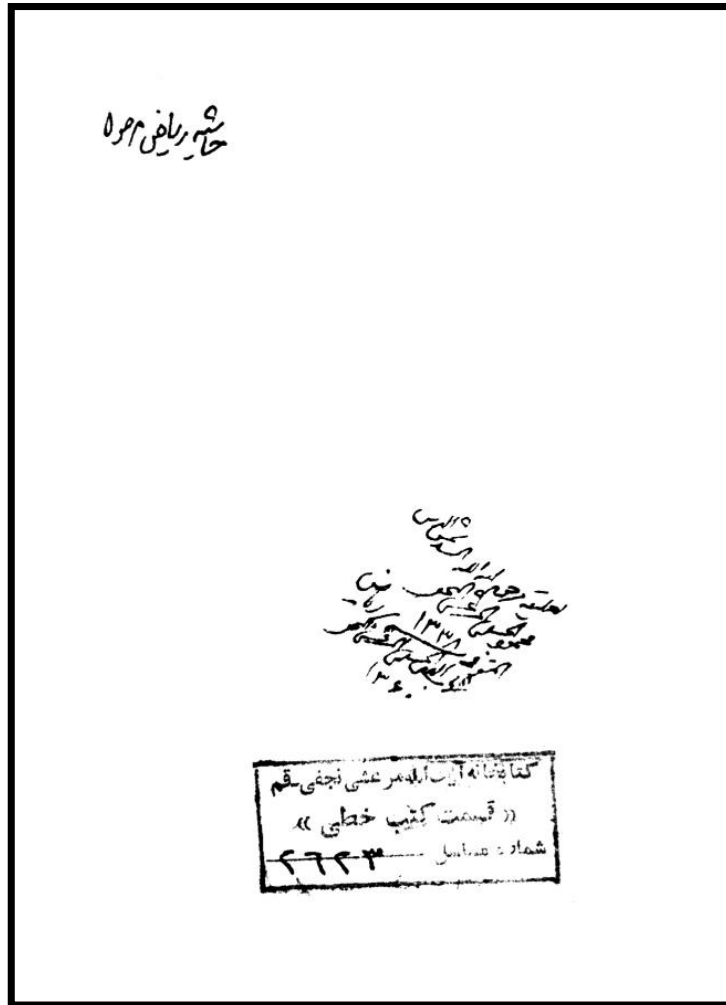
میراث شہاب

شماره ۸۱، تابستان ۱۳۹۶

ان يوفقه بكل خير وبقية من شر كل غاشم و طارق و عن
 الحق عائق وان يجعله ممن نصر الائمة بيانه وبنانه قلمه
 ولسانه واملتمس من جنابه الدعاء لهذا الغريب المشطع
 عن البريه في مظان الاجابه وصلى الله على سيدنا محمد
 وآله الكرام حرره العبد شهاب الدين الحسيني المرعشي
 النجفي من اهل بيت النبوة والسفارة ببلده قم المشرفة
 حرم الال وعش الميامين ۱۳۶۹

پیوست دوم:

تصویر صفحه‌ای از حاشیه ریاض المسائل تألیف مرحوم آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود مرعشی نجفی رحمته الله به خط مؤلف. در صفحه عنوان یادداشتی از مرحوم آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی رحمته الله دیده می‌شود. این نسخه به شماره ۲۶۲۳ در این کتابخانه بزرگ نگهداری می‌شود.



رجوعها الى التميز كان كما القول بالرجوع الى التميز عند الشيخ محققا
 قوله كذا اي ظهر ضعف القول بالتمييز من الرجوع الى العادة وبين الرجوع الى
 التميز لاختيار التميز بضعف هذا القول ان اختصاص اجار التميز بغير
 ذات العادة قوله عزني اي نسب قوله لا فرق رد القول الرابع الذي
 يجيء قوله الحاصلة الى العادة الحاصلة بالاختصاص والانقطاع لا ربطا
 بان ذات التميز من اول الشهر الى اليوم الخامس وكذلك الشهر الا ان قوله
 بالتمييز اي بين العادة الحاصلة بالتمييز كان ذات من اول الشهر الى اليوم
 الخامس دما متصفا بصفة الحصر وكذلك الشهر الثاني والحل بالخصية
 هنا لاجل التميز لا لاجل العادة قوله العموم اي العموم ايضا العادة كقولك ذات
 العادة ترجع الى العادة فانه عام شامل للعادة الحاصلة بالاختصاص والانقطاع
 والعادة الحاصلة بالتمييز قوله تبادل جواب عن سؤال وتقدير السؤال ان التباد
 من ذات العادة قوله ذات العادة ترجع الى العادة هو العادة الحاصلة
 بالاختصاص والانقطاع اي بالتبادل للاختصاص والانقطاع لا العادة الحاصلة بالتمييز
 اي لا ربطا بصفة قوله وحاصل الجواب ان تبادل الجواب من العادة الحاصلة
 بالاختصاص والانقطاع من العادة دون العادة الحاصلة بالتمييز بعد تسليمه
 غير مجمل قوله تبادل الاول اي تبادل العادة الحاصلة بالاختصاص والانقطاع وله
 الثاني اي العادة الحاصلة بالتمييز قوله منه اي من العادة اي من العموم اي من
 عموم قولهم ترجع ذات العادة فانه عام شامل لكل من العادة الحاصلة بالاختصاص
 والانقطاع ومن العادة الحاصلة من التميز ولا
 قوله تعاد تسليمه اي حل تسليم التباد
 الاول دون التباد قوله غير مجمل ختمه قوله معلمه
 متعلق بقوله غير مجمل اي هذا التباد ليس مجمل قوله لكون العموم لغويا
 ودلالة العام اللاحق على الافراد على السوية قوله لا عرفيا مجرى وال
 اي لا مطلقا مجرى التباد فيه اي تبادل بعض الافراد اي سبق بعض الافراد
 ان وقدمه على بعض اخر على سبقة علم الذهن بان يقال المطلق منصرف
 عن الافراد انشائية المراد من ذات العادة من يكون عاداتها حاصلة بالاختصاص
 والانقطاع قوله والقول بتدبيره ضعيف قوله عليها اي على العادة قوله اجمعين

الاخبار
ذات العادة

ناكلين

منابع

۱. اعیان الشیعة، سید محسن امین جبل عاملی، حقیقه و اخرجیه سید حسن الامین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳هـ
۲. احسن الودیعة فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعة، سید محمد مهدی موسوی اصفهانی کاظمی، قدّم له و علّق علیه سید عبدالستار الحسنی، قم، مؤسسه تراث الشیعه، ۱۴۳۷هـ / ۱۳۹۴ش.
۳. احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، مقدسی، به کوشش محمد محروم، بیروت، ۱۴۰۸هـ
۴. اختران فضیلت، ناصرالدین انصاری قمی، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۵. الاجازة الكبيرة او الطريق المحجة لثمرة المهجة، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، به کوشش محمد سمّامی حائری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۴هـ
۶. برستغ نور، علی رفیعی (علامرودشتی)، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۳ش.
۷. تاریخ اولاد الاطهار، سید محمدرضا طباطبایی، قم، بی تا، بی نا.
۸. تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، اصفهان، ثقفی، چاپ اول، ۱۳۴۸ش.
۹. تنقیح المقال، عبدالله بن محمد مامقانی، نجف اشرف، ۱۳۴۹ - ۱۳۵۱هـ
۱۰. تاریخ ایران زمین، محمد جواد مشکور، تهران، اشراقی، ۱۳۶۳ش.
۱۱. تاریخ حرکت اسلامی در عراق، عبدالحلیم الرهیمی، ترجمه محمد نبی ابراهیمی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۱۲. تبارنامه عارف نامدار آیت الله سید علی قاضی طباطبایی، غلامرضا گلی زواره، در مجموعه مقالات برگزیده کنگره بزرگداشت فقیه متأله آیت الله سید علی قاضی طباطبایی، ج دوم، تبریز، ۱۳۹۱ش.
۱۳. جامع فضل و فضیلت، غلامرضا گلی زواره، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۹ش.
۱۴. جرحه های جانبخش، غلامرضا گلی زواره، با تقریظ علامه حسن زاده آملی و مقدمه آیت الله سبحانی، قم، حضور، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ش.

۱۵. دائرة المعارف تشیع، زیر نظر بهاءالدین خرمشاهی و دیگران، ج ۱۵، تهران، حکمت، ۱۳۹۴ش.
۱۶. درنگی در یک تبارنامه، غلامرضا گلی زواره فصلنامه میراث شهاب، سال دهم بهار و تابستان ۱۳۸۳.
۱۷. الذریعة الی تصانیف الشیعه، شیخ آقابزرگ تهرانی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۱۸. ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب، میرزا محمدعلی مدرّس تبریزی، تهران، خیام، چاپ چهارم ۱۳۷۴ش.
۱۹. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، حاج شیخ مرتضی انصاری، قم، کنگره شیخ اعظم انصاری، ۱۳۷۳ش.
۲۰. ستارگان حرم، گروهی از نویسندگان، ج ۱۱، قم، زائر، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۲۱. شهاب شریعت، علی رفیعی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۳ش.
۲۲. شهید مدرّس ماه مجلس، غلامرضا گلی زواره، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل و وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول ۱۳۸۴ش.
۲۳. طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۷ (تقیاء البشر فی القرن الرابع عشر)، شیخ آقابزرگ تهرانی، دار احیاء التراث العربی، طبع اول، ۱۴۳۰هـ.
۲۴. علمای معاصر، ملا علی واعظ خیابانی، قم، نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۲۵. فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، مصطفی درایتی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱ش.
۲۶. فهرست نسخه های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ابوالفضل حافظیان بابل، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۸ش.
۲۷. فهرستواره دست نوشته های ایران (دنا)، مصطفی درایتی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش.
۲۸. قاموس الأمکنه و البقاع، علی بهجت، مصر، ۱۳۳۴هـ.
۲۹. الکامل فی التاریخ، عزّ الدین ابن اثیر موصلی، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵هـ.

۳۰. کیهان فرهنگی، مهر ۱۳۸۲، ش ۲۰۴.
۳۱. گزیده دانشوران و رجال اصفهان، سید محمدعلی مبارکه‌ای، به کوشش رحیم قاسمی، قم، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، ۱۳۹۳ش.
۳۲. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۴ش.
۳۳. گنجینه شهاب (مجموعه رساله‌ها و مقاله‌های علمی در پاسداشت آیت‌الله مرعشی نجفی)، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۸۰ش.
۳۴. گلشن ابرار، گروهی از نویسندگان، قم، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۸۹ش.
۳۵. لباب الأنساب، ابوالحسن بیهقی نسابه مشهور به ابن فندق، به کوشش مهدی رجایی، با مقدمه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۱۰هـ.
۳۶. مکارم الآثار، میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، اصفهان، نشر نفائس مخطوطات اصفهان، ۱۳۶۴ش.
۳۷. مرزبان حماسه‌ها، محمدباقر بدوی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۳ش.
۳۸. مرزبان فرهنگ (جشنواره دکتر سید محمود مرعشی)، گروهی از نویسندگان، به اهتمام خانه کتاب و کانون نویسندگان قم، نور مطاف، ۱۳۹۳ش.
۳۹. مرجع فرهنگیان، (یادمان آیت‌الله مرعشی نجفی)، گروهی از مؤلفان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۸ش.
۴۰. موسوعة العلامة المرعشی، به اهتمام محمد اسفندیاری و حسین تقی‌زاده، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۹ش.
۴۱. معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف خلال ألف عام، محمد هادی امینی، جامعة النجف الکبری، طبع دوم، ۱۴۱۳هـ.
۴۲. مشعلی منیر در ظلمت کویر، غلامرضا گلی زواره، قم، حضور، ۱۳۷۹ش.
۴۳. مدرّس قهرمان آزادی، حسین مکی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸ش.
۴۴. مدرّس، گروهی از نویسندگان، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۴۵. مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۴۶. معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹هـ.

۴۷. معارف الرجال، محمد حرزالدین، به کوشش محمدحسین حرزالدین، نجف، ۱۳۸۳ هـ
۴۸. معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ هـ
۴۹. نورعلم (دو ماهنامه)، دوره چهارم، شماره مسلسل ۳۷، آبان ۱۳۶۹.
۵۰. نسب‌نامه خاندان طباطبایی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، به کوشش و مقدمه سید هادی خسرو شاهی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۵۱. نسب‌نامه شاخه‌ای از سادات طباطبایی‌های تبریز، سید جمال ترابی طباطبایی، تبریز، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶ ش.
۵۲. ویژه‌نامه کنگره بین‌المللی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم، قم، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹.